

۱۹ خرداد ۱۳۹۶ - شماره: ۷۶

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

هشدار جدی برای حاکمان ایران

نویسنده مقاله:

حبیب الله قاسمی

توجه: دیدگاه‌های منتشر شده در پایگاه، دیدگاه‌های ارسال شده توسط کاربرانند و لزوماً دیدگاه‌های این دفتر محسوب نمی‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم



هشدار جدی برای حاکمان ایران

حبیب الله قاسمی

صبح دیروز، خبر تأسف بار حملات تروریستی گروه مفسد داعش به مجلس قانون گذاری و مقبره‌ی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به سرعت از طریق خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان به اقصی نقاط جهان مخابره شد و موجی از تعجب و بهت عمومی را برانگیخت. پر واضح است که این اولین باری نیست که حملات تروریستی و هراس افکنانه در جایی از جهان و خصوصاً جهان اسلام به وقوع می‌پیوندد و موجب رعب، التهاب و کشته یا زخمی شدن مردم بی‌گناه می‌شود و نیز روشن است که در این میان، خون مردم ایران از خون سایر مسلمانان بی‌گناه رنگین‌تر نیست، لکن وقوع چنین حوادث تلخ و ناگواری در این مقیاس گسترده و با چنین ابعاد قابل توجهی، آن هم در کشوری که حاکمان آن، سال‌هاست لاف امنیت می‌زنند و با تکبر و فخر فروشی به ثبات و اقتدار خویش می‌بالند، جای بسی تأمل دارد؛ خصوصاً با توجه به اینکه اتفاق صبح دیروز خصوصاً حمله به مجلس، در یکی از حساس‌ترین مراکز سیاسی و استراتژیک این کشور و در قلب لایه‌های امنیتی

و حفاظتی پایتخت ایران روی داد و با این وصف، توانایی و اشراف نهادهای امنیتی این کشور را شدیداً زیر سؤال برد.

هیچ تردیدی نیست که این واقعه‌ی تروریستی و کشتار شهروندان بی‌گناه توسط شیاطین داعشی، عقلاً و شرعاً محکوم است و هیچ کس جز همدستان و شرکای شرور آنان در میان کافران و منافقان را خشنود نمی‌کند، لکن آنچه در این میان شایان تعمق است و می‌توان آن را درس مهمی از این حادثه به شمار آورد، آن است که «اقتدار پوشالی» و «امنیت ادعایی» در ایران که همواره مورد تأکید حاکمان و نیروهای امنیتی آن قرار داشته است، حبابی فریبنده و سرابی ناپایدار بیش نیست و هرگز نمی‌توان به آن اتکا نمود یا مغرور شد! این حادثه‌ی غیر منتظره، آشکار کرد که تبختر حاکمان ایران و مباحثاتی که به ثبات و امنیت ظاهری خویش می‌کنند، ناشی از یک توهم عمیق و اشتباه محاسباتی بزرگ بوده است؛ چراکه آنان تا به امروز گمان می‌کردند به راستی تافته‌ای جدا بافته هستند و آتشی که دامن دیگران را گرفته است، قرار نیست دامن‌گیر آنان شود. بلکه چه بسا باورشان شده بود نظر کرده و سفارش شده از عالم بالا هستند و به راستی خداوند امنیت و اقتدارشان را ضمانت کرده است! اما حادثه‌ی اخیر گویی تلنگری هشداردهنده و آموزنده به آنان بود تا از خواب سنگین غفلت بیدار شوند و ملتفت باشند که پاشنه‌ی آشیل آنان چندان که می‌پنداشتند پنهان و دست نیافتنی نیست و اقتداری که به آن می‌بالیدند و آن را اهرمی برای عوام‌فریبی و محدود کردن آزادی‌های مشروع مردم و جریان‌های مستقل قرار داده بودند، سست‌تر و شکننده‌تر از آن است که گمانش را می‌کردند. در این میان «ترقه‌بازی» نامیدن این رویداد پر تلفات تروریستی که تا کنون ۱۷ کشته و ده‌ها زخمی بر جای گذاشته است، سخنی نسجیده و حاشایی متکبرانه برای کنترل افکار عمومی است که نه تنها موجب آرامش مردم نمی‌شود، بلکه گونه‌ای خندیدن بر آلام آنان و از همه مهم‌تر اهانت به قربانیان این حادثه و خانواده‌های داغدار آنان محسوب می‌شود! این در حالی است که همین رهبران کوتاه‌فکر و خودشیفته، اموری بسیار جزئی و حاشیه‌ای مانند پخش یک نوای قرآنی پیش از افطار را به نحو عجیبی بزرگ‌نمایی می‌کنند و درخواست برای پخش آن را نشانه‌ای از اختلال در نظام و تعطیلی مراکز فرهنگی و سیاسی کشور ارزیابی می‌نمایند و ارادتمندان به خود و نیروهای به اصطلاح «انقلابی» و در واقع چشم و گوش بسته را با اعلام وضعیت «آتش به اختیار» به سوی رفتارهای خودسرانه و ایجاد هرج و مرج در جامعه بر می‌انگیزند! این‌ها نشان می‌دهد که حاکمان مزبور «بصیرت» بلکه «شعور» خویش را از دست داده‌اند و دیگر عمق مسائل و ابعاد واقعی موضوعات را در نمی‌یابند و عدسی بینش آنان عیب کرده و به نحو بیمارگونه‌ای مقعر یا محدب شده است! همچنانکه دقیقاً به همین علت، دعوت جهانی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

به سوی حکومت خداوند و خلیفه‌اش که حلال همه‌ی مشکلات دنیوی و اخروی آنان است را ننشیده می‌گیرند و در برابر آن با تکبری منزجر کننده و استغنائی نفرت‌انگیز موضع می‌گیرند!

شاید وقت آن رسیده باشد که سردمداران مغرور و حاکمان غافل ایران دریابند که ناتوان‌تر از آن هستند که اقتداری پایدار برای خویش به ارمغان آورند و لاجرم درگیر بی‌ثباتی و ناآرامی در منطقه می‌شوند و خواسته یا ناخواسته به امواج بلند فتنه که هر روز متلاطم‌تر می‌شود، خواهند پیوست. پس بایسته است پیش از آنکه غرق این اقیانوس متلاطم شوند، با دوراندیشی و خردورزی راهبرد خویش را اصلاح کنند و مسیر خویش را تغییر دهند. اینان باید بدانند که با انحصارگرایی، خودکامگی و یگانه‌تازی در امور داخلی و روابط بین‌المللی خویش و نیز با وجود عناصر منافق و مرتجعی مانند عربستان و هم‌پیمانانش در منطقه که از پشتیبانی شیاطین غربی و بلوک کفر برخوردارند، نه تنها توان کنترل و مدیریت اوضاع منطقه و بحران‌های فرامرزی مانند تروریسم و بنیادگرایی را نخواهند داشت، بلکه نمی‌توانند ثبات و امنیتی که در داخل مانند تار عنکبوت به گرد خویش تنیده‌اند را حفظ کنند. کسانی که خود را از روی جاه‌طلبی و توهمی عجیب، ولیّ امر مسلمانان جهان می‌شمارند، دیگر باید دست از خودفریبی و عوام‌گرایی بردارند و به یاد آورند که خداوند آنان را برای حکومت بر مسلمانان تعیین نکرده و اذنی برای حکومتشان صادر ننموده، بلکه کسی بهتر از آنان را ولایت بخشیده و به حاکمیتش اذن داده است و او خلیفه‌ی خداوند حضرت مهدی علیه السلام است که توان برقراری اقتدار و امنیت پایدار نه تنها در منطقه، بلکه در سراسر جهان را دارد و خداوند از طریق پیامبرش وعده‌ی صریح و قطعی داده است که او را پیروز نهایی میدان خواهد کرد و زمین را به دست با کفایت او از عدل و قسط پر می‌نماید. اما امروز این حاکمان متکبر، جای او را گرفته‌اند و به دلیل خودمحوری و برخی ذهنیت‌های موهوم خویش، گمان می‌کنند در نبود او می‌توانند قهرمان‌بازی کنند و منجی جهان اسلام شوند! در حالی که این خیال باطلی است؛ چراکه در نبود خلیفه‌ی خداوند و عدم استقرار حاکمیت مهدی، هیچ خیری نیست و کسانی که گمان می‌کنند در چنین شرایطی نفس راحت می‌کشند و جان سالم به در می‌برند، در توهمی خطرناک و خطایی آشکار هستند؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی زمانی پیش از پیدایش غده‌ی سرطانی داعش در غرب جهان اسلام فرمود:

«هان! بدانید که افق مغرب، از ابرهای تیره تاریک است. به زودی توفانی سرخ بر شما خواهد وزید و سرزمین شما را در خواهد نوردید. نه سقفی باقی خواهد گذاشت که در زیر آن پناه گیرید و نه دیواری که در پس آن پنهان شوید! در آن زمان، امت محمد آرزو خواهد کرد که نیمی از جوانان خود را بدهد و در عوض، مهدی را در دره‌های از دره‌های حجاز باز یابد!

هان، ای اُمّت نادان! در پی چه می‌گردی؟! و به دنبالِ که می‌روی؟! پیشوای تو مهدی است. آرامشِ شب‌ها و خرمیِ روزهای تو مهدی است. شادیِ ماندگار و شیرینیِ روزگار تو مهدی است. خوش‌بختیِ دنیا و رستگاریِ آخرت تو مهدی است. پس چه چیزی تو را از او باز داشته است؟! یا چه کسی تو را از او بی‌نیاز کرده است؟! ... آیا می‌پندارید که در غیاب او، عدالت را خواهید دید و به شکوفایی خواهید رسید؟! یا می‌پندارید که در غیاب او، امنیت خواهید داشت و خوشبخت خواهید شد؟! نه به خدا سوگند، سپس نه به خدا سوگند؛ بلکه این آرزو را با خود به گور خواهید برد، همچنانکه گذشتگان آن را با خود به گور بردند! زیرا خداوند در غیبت گماشته‌اش خیری قرار نداده و در حکومت غیر او برکتی نیافریده است!...» (گفتار ۱).

بنابراین، مسلمانان ایران هم باید مانند سایر مسلمانان جهان بدانند که دل بستن به طواغیت و امیدواری به حاکمان نامشروع کنونی، پنداری واهی و نافرجام است و اقتدار و امنیتی که به دنبالش هستند و آرامش و عدالتی که می‌جویند، تنها در گرو حکومت مهدی است و تنها اوست که می‌تواند با علم ربّانی و سنت نبوی خویش، قدرت‌های شرق و غرب را به زانو درآورد و منافقان را سر جایشان بنشاند و دستشان را از ثروت‌های عمومی و بیت‌المال مسلمین کوتاه کند. اما حکومت مهدی بر خلاف توهم رایج و اباطیل جریان‌های انحرافی، برای مردم قابل مطالبه و کاملاً در دسترس است و آنان می‌توانند با عزم عمومی و اراده‌ی جمعی خویش از او حمایت کنند و با رستاخیزی عمومی و انقلابی مردمی او را به قدرت برسانند. این دقیقاً همان کاری است که برای حاکمان کنونی خویش کرده‌اند و آنان را با حمایت، پشتیبانی و حضور پررنگ و اثرگذار خویش در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی به قدرت رسانده‌اند، اما هرگز در طول تاریخ چنین کاری را برای مهدی نکرده‌اند و از همین روست که امروز به جای مهدی، حاکمان دیگری بر مردم مسلط شده‌اند.

این حقیقت مکتوم و تذکرِ تکان‌دهنده‌ای است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، با خیرخواهی تمام آن را در گوش سنگین این حاکمان جاهل فریاد زده و به آنان یادآوری نموده است که می‌توانند میزبان مهدی و زمینه‌ساز ظهور او باشند و به سرعت و فوریت هر چه تمام‌تر مقدمات ظهورش را فراهم کنند؛ مشروط بر آنکه دست از جاه‌طلبی، قدرت‌گرایی و حبّ حکومت بردارند و با صراحت، شجاعت و تواضع از دعوت این عالم فرزانه به سوی حاکمیت مهدی و ضرورت تشکیل آن حمایت کنند و با رویکردی صادقانه نه ریاکارانه، مقدمات انتقال حکومت به مهدی را فراهم نمایند و در این میان مردم را برای حمایت و همراهی با او تربیت و سازماندهی کنند. اما متأسفانه آنان تا کنون با تکبر و شیفتگی به اقتدار پوشالی و متزلزل خویش به این ندای صادق بی‌اعتنایی نموده‌اند

و گمان کرده‌اند که به مهدی علیه السلام حاجتی ندارند و خود می‌توانند امنیت، عزت و سعادت خویش را تضمین کنند. از همین رو، همواره سخن از مهدی و اقدام جدی و مؤثر برای ظهور او را «انحراف» و «خیال‌پردازی» قلمداد نموده‌اند تا شاید طبق معمول اذهان را از آن دور کنند. اما دیگر تاریخ مصرف این فرافکنی‌ها و عوام‌فریبی‌ها گذشته است و با فریادهای رسا و تأثیرگذار علامه منصور هاشمی خراسانی، روز به روز ضرورت زمینه‌سازی واقعی و میدانی برای ظهور مهدی از طریق گردهمایی شماری کافی از مردم و تشکیل پایگاه‌ها و نهادهای مردمی به منظور حمایت از مهدی آشکارتر می‌شود؛ چراکه هشدارها و اندازهای این مرد مجاهد و عالم نستوه در اوج صراحت و حقانیت است و هر فطرت پاک و ضمیر روشنی را متأثر می‌کند و به اقدامی عملی وا می‌دارد؛ چنانکه در جایی مردم را نصیحت کرده و با فصاحتی دلنشین و بلاغتی بی‌مانند فرموده است:

«ای مردم! به صدای من گوش بسپارید و صداهاى گوناگون شما را از شنیدنش باز ندارند؛ چراکه درباره‌ی مرگ و زندگی سخن می‌گویم و چیزی که می‌گویم مانند آب حیاتی است. هرآینه زندگی شما کاستی یافته و به سوی نابودی سرازیر است و اکنون جز با امامی از جانب خداوند کمال نمی‌پذیرد؛ چراکه کمالی جز از جانب خداوند نیست و امامانی که از جانب او نیستند، کاهنده و نابودگرند، اگرچه مهرشان را به دل سپرده باشید. پس امامان خویش را وا نهید و امامی از جانب خداوند بجوید، باشد که در زمین کام یابید یا تا زمانی بهره‌مند شوید. اینک خداوند عهد خود با ابراهیم را به یاد آورده و وعده‌اش با محمد را وفا کرده و مردی از خاندان آن دو را امامی برای شما قرار داده و او همانا مهدی است که شما را درباره‌اش علمی رسیده است. پس او را امام بگیرید و امامانی جز او نگیرید که شما را درباره‌ی آنان علمی نرسیده است؛ مبدا شما را از او مشغول سازند و به راه‌های تاریک برند و در دره‌های هلاکت اندازند، در حالی که یاری کننده‌ای برایتان نیست!... آگاه باشید که من شما را به سوی امامتان فرا می‌خوانم و از امامان ساختگی بر حذر می‌دارم، باشد که نجات یابید... آیا در میان شما آزادگانی نیستند که برای یاری این مرد گرد آیند، باشد که خویش را به آنان بشناساند؟! به خدا سوگند اگر شماری کافی از شما گرد آیند که او را با مال و جان یاری رسانند و از پدر و مادر و زن و فرزند دوست‌تر دارند، هرآینه خویش را به آنان می‌شناساند و آنان را در راه خداوند رهبری می‌فرماید، ولی واقع آن است که در شما خیری نیست» (گفتار ۱۰۴).

همچنانکه در جایی دیگر، در یکی از نامه‌های مهم و روشنگرانه‌ی خویش فرموده است:

«زنهار! هدایت خویش را به غیر مهدی نسپارید؛ زیرا کسی راه را از کور نمی‌پرسد

و با کشتی سوراخ به دریا نمی‌رود! پس آیا حکومتی جز حکومت خداوند می‌جویید؟! در حالی که عدالت تنها در حکومت خداوند است؛ حکومتی که به دست خلیفه‌ی مهدیش تحقق می‌یابد نه به دست غیر او و خلفا و شاهان و فقیهان در این امر با هم برابرند، جز آنکه در شیوه‌ی ظلم تفاوت دارند و برخی بیش از برخی دیگر ستم می‌کنند؛ مانند قاتلانی که همگی می‌کشند، جز آنکه برخی خفه می‌کنند و برخی سر می‌برند و برخی سم می‌نوشانند! به سخنم گوش فرا دارید؛ زیرا سخنی بهتر از این نخواهید شنید: دنیای شما جز با عدالت اصلاح نمی‌شود و آخرت شما جز با عدالت سامان نمی‌پذیرد و عدالت جز با حکومت مهدی امکان نمی‌یابد و حکومت مهدی جز با همیاری شما شکل نمی‌گیرد، ولی بیشتر شما نمی‌دانید!» (نامه‌ی ۱۴).

این همان دعوت اصیل و ریشه‌داری است که برخی حاکمان مسلمان، خصوصاً حاکمان ایران آن را نشنیده گرفته‌اند و با آن مقابله نموده‌اند و با رویکردی عجولانه و کوتاه‌بینانه آن را تهدیدی علیه خود پنداشته‌اند، در حالی که بی‌تردید این دعوت حق و حرکت انقلابی برای زمینه‌سازی ظهور مهدی، تهدیدی علیه آنان نیست، بلکه مقدمه‌ی رفع تهدیدات و تضمین سعادت مسلمانان و تحقق عدالت و امنیت در امت اسلامی است.

با این وصف، ضروری است که رهبران ایران رخداد تروریستی روز چهارشنبه را به عنوان یک هشدار جدی در نظر بگیرند و بدانند که بی‌اعتنایی به دعوت حق علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و ایجاد مانع بر سر راه ظهور مهدی علیه السلام، گناه کوچکی نیست، بلکه تاوان بسیار سنگینی دارد و در صورتی که با رویکرد نادرست و سیاست‌های خودخواهانه‌ی آنان ادامه پیدا کند، مردم ایران باید منتظر فجایع و رخدادهای ناگوار بیشتری در مقیاس داخلی و منطقه‌ای باشند.

﴿فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ۖ وَأَفُوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (غافر / ۴۴).